

تأثیر رسانه، فضای مجازی و فناوری بر تعاملات خانواده و مدرسه

سید محمد امین موسوی نسب^۱، مریم امینی^۲

۱- هنرآموز هنرستان فنی و حرفه ای استاد مطهری ناحیه ۲ اهواز

jeeex.2@gmail.com

۰۹۳۷۱۸۲۸۰۳۵

۲- آموزگار ابتدایی مدارس ناحیه ۱ کرمانشاه

Chemistry418@gmail.com

۰۹۲۲۴۱۷۹۶۶۸

چکیده

امروزه نقش و جایگاه رسانه ها در تمامی جوامع افزایش یافته است و به دلیل گستره و حوزه پوشش وسیع این رسانه ها در داخل و خارج از کشورها و جذابیت و مقبولیت آن ها در بین مردم، امروزه تلاش دولت ها در این راستا قرار گرفته است که از این رسانه ها در جهت تحقق اهداف تربیتی خویش استفاده کند. با پیشرفت تکنولوژی و دستاوردهای جدید آن، رسانه ها، فضای مجازی و فناوری، توانسته اند زندگی بشر را تحت اختیار خود در آورند و در تمامی زمینه ها مؤثر واقع شوند. بنابراین لازم است خانواده و نهاد مدرسه بتوانند با تعامل و همکاری با یکدیگر نوعی تعادل ارتباطی ایجاد نمایند تا وجود چنین فضایی به دانش آموزان و روابط آن ها با والدین و مدرسه آسیب رسان نباشد. این پژوهش با تکیه بر منابع مطالعات کتابخانه ای و بهره گیری از روش توصیفی - تحلیلی بر آن است به بررسی تأثیر رسانه، فضای مجازی و فناوری بر تعاملات خانواده و مدرسه بپردازد.

واژگان کلیدی: خانواده، مدرسه، رسانه، فضای مجازی، فناوری.

۱. مقدمه

امروزه در سایه تحولات اجتماعی، از اقتدار و اعتبار نهاد مدرسه کاسته شده و در سایه همین تحولات، جایگاه و نقش خانواده فزونی یافته است به همین سبب توجه به تعاملات خانه و مدرسه دارای اهمیت بسزایی است. با توجه به اینکه خانواده ها اولین کانون مؤثر در تربیت، رشد و تکوین شخصیت فرزندان می باشد، مدرسه هم اولین و مهمترین سازمان رسمی و مؤثر در تعلیم و تربیت نسل آینده است؛ به همین دلیل برقراری هماهنگی در اهداف، محتوا و روش های تربیتی این دو نهاد مهم، ضرورتی اجتناب ناپذیر و عقلانی است. سعادت جامعه به سلامت و پویایی نظام خانواده وابسته است. در واقع جامعه سالم در گرو خانواده سالم است. هر قدر روابط بین والدین و فرزندان گرم تر و نزدیک تر باشد، بهداشت روانی فردی و خانوادگی بیشتر می شود. با توجه به اهمیت و جایگاه خانواده، باید بیشترین توجه را به آن معطوف نمود و در جهت تحکیم هر چه بیشتر آن سرمایه گذاری کرد، زیرا سرچشمه سعادت اجتماع و موفقیت مدارس در خانه است. هر قدر پایه های خانواده استوار شود، از آموزش و پرورش قوی و کارآمد برخوردار خواهیم بود، وقتی که فرزندان، با شخصیتی تربیت یافته وارد مدرسه می شوند، کار آموزش برای معلمان آسان تر می شود. لذا والدین و مربیان که مهندسان و معماران جامعه خود هستند، باید با بکارگیری روش های تربیتی صحیح، انسان های سالم، با نشاط، شاداب، با امید، با ایمان، اندیشمند و فکور تربیت کنند. عبور سالم از محیط خانواده به محیط مدرسه مستلزم اتخاذ تدابیری است که کوتاهی در آن ها به روند طبیعی سازگاری کودک با تغییرات محیط لطمه می زند. کودک بزرگ میشود و برای بیان نیازها و پاسخگویی به خواسته ها به محیط وسیع تری احتیاج دارد. زمان آن فرا می

رسد که برای ایفای نقش در آینده گام های قوی و محکمی بردارد. کودکان و نوجوانان امروز زنان و مردان فرداهایی هستند که باید گردش چرخ های اداره ی کشور در جنبه های مختلف صنعتی، تجاری، سیاسی، اقتصادی و ... را بدان ها سپرد و لذا اگر این کودکان از نظر علمی- فرهنگی و اعتقادی به طور صحیح تربیت شوند، می توانند موجبات افتخار و بالندگی خود، خانواده، جامعه و نهایتاً بشریت را فراهم آورند. بعد از خانواده، یعنی وقتی کودک پا به سن هفت سالگی می گذارد به سازمانی به نام مدرسه سپرده می شود تا آموزش ببیند و تربیت شود و گروهی به عنوان مربی و معلم دست به کار تعلیم و تربیت او می شوند. درست است که کودک به مدرسه رفته و مستقیماً تحت تأثیر معلمان و مربیان قرار می گیرد ولی قسمت زیادی از وقت او در منزل سپری می شود. بنابراین مدرسه کل مسئولیت آموزشی و تربیتی را در تمام سطوح به عهده ندارد، و نباید بار سنگین تعلیم و تربیت را فقط به دوش مدرسه گذاشت؛ بلکه باید معتقد بود که خانواده و دیگر واحدهای اجتماعی در تربیت نسل جدید نقش و مسئولیت خطیری دارند. لذا خانه و مدرسه باید در این راه باهم مشارکت و همکاری مستقیم داشته باشند تا بتوان به تأثیرات تربیتی آنها بر روی نوجوان امید وار بود. در حقیقت والدین باید در مدرسه به عنوان ولی حضور پیدا کنند نه به عنوان فردی که در یک جای خاص مسئولیت دارد. اگر پدر یا مادر دانش آموز در وزارتخانه یا سازمانی، مسئولیت اجرایی سطح بالایی دارد و در آنجا به عنوان رئیس ایفای نقش می کند و به تناسب مسئولیت، گاهی امر و نهی می نماید، نباید با همان شاکله و با همان انتظارات و تصورات وارد مدرسه شود. مدرسه جامعه ای، با ابعاد کوچک تر از جامعه ی شهری یا روستایی است. با وجود اینکه دولت بخش عظیمی از درآمد ملی خود را جهت سامان بخشیدن به امور مدرسه اختصاص می دهد اما به دلیل نیازهای متنوع این جامعه، تجربه نشان داده است که مشکلات مدرسه به طور کامل رفع نمی شود و نیاز به مساعدت اولیاء وجود دارد. مدیریت مدرسه باید با ابتکار عمل و واقع بینی از توان کاری آن ها برای حل مشکلات مدرسه بهره جویید.

۲. اهداف پژوهش

با تکیه بر اهمیت روابط و تعاملات مابین مدرسه و خانواده و اثرات ناشی از این پیوند ناگسستنی در جامعه، نگارنده این مقاله در پی آن است به فرصت ها و تهدیدهای ناشی از تأثیر رسانه، فضای مجازی و فناوری بر ارتباط میان خانواده و مدرسه بپردازد.

۳. سوالات پژوهش

آیا روابط و تعامل خانواده و مدرسه در بهبود یادگیری دانش آموزان مؤثر است؟

مهم ترین کارکرد خانواده در پیوند با مدرسه چیست؟

آیا وجود رسانه، فضای مجازی و فناوری در روند آموزشی مدارس ضروری است؟

۴. فرضیه های پژوهش

روابط خانواده و مدرسه نقش بسیار قابل توجهی در افزایش یادگیری دانش آموزان دارد.

برنامه ریزی مناسب آموزشی و تربیتی مهم ترین کارکرد پیوند خانواده با مدرسه است.

با توجه به پیشرفت تکنولوژی، بهره گیری از این سه مؤلفه ضروری می باشد.

۵. روش پژوهش

در این پژوهش از روش مطالعات کتابخانه ای استفاده شده است. نگارنده پس از جمع آوری داده های مورد نیاز آن ها را طبقه بندی کرده و به همراه توصیف و تحلیل در متن جای داده است.

۶. اهمیت رابطه میان خانواده و مدرسه

خانواده و مدرسه دو فضای تربیتی مکمل همدیگر هستند و والدین باید نقش تعیین کننده ای در سازوکارهای اجرایی تربیت رسمی داشته باشند و لازم است با معلمان و مدیر مدرسه ارتباط مستمر داشته باشند و مدرسه محل تردد آن ها باشد. به طور کلی ذات آموزش و پرورش، مشارکت همه عناصر دخیل در فرایند یادهی-یادگیری را می طلبد و بدین سبب که والدین نزدیکترین گروه به دانش آموزان

اند و نسبت به تجارب مثبت و منفی فرزندان خود آگاهاند، لذا اصلی ترین و شایسته ترین گروهی هستند که باید در امور مدرسه مشارکت و همکاری داشته باشند .

خانه و مدرسه به عنوان دونهاده اصلی و تأثیرگذار در زمینه آموزش و پرورش به حساب می آیند. هر یک از این دو نهاد مهم و مقدس نقش خاص و ویژه ای در تربیت فرزندان برعهده دارند. چنانچه بپذیریم که انسان یک موجود زیستی، روانی، اجتماعی و معنوی است، ضروری می نماید که در ابعاد مختلف، رشد و توسعه یابد تا بتواند به انسان کامل نزدیک شود. آن چه که معمول است، این است که دانش آموزان در مدرسه تعلیم و تربیت رسمی و در خانه بیشتر تعلیم و تربیت غیر رسمی را فرا می گیرند. و هر اندازه آموزش و تربیت در این دو نهاد یکسان و همسو باشد، موجب خواهد شد یادگیری و تربیت آنان پایدارتر و موثرتر باشد. همکاری و مشارکت این دو نهاد شرط اصلی موفقیت هر نظام آموزشی است. در واقع مشارکت خانه و مدرسه از لحاظ فراهم آوردن زمینه های لازم برای رشد فرزندان بسیار ضروری است. بسیار روشن است که در مدارسی که والدین با اولیای مدرسه کمتر ارتباط دارند، دانش آموزان از مشکلات رفتاری بیشتری برخوردارند و برعکس؛ پس هر دو نهاد فوق، به ویژه نهاد خانواده باید به اهمیت و ضرورت این ارتباط در تربیت صحیح فرزندان بیشتر آگاه شوند و بکوشند تا وظیفه ی خود را به درستی انجام دهند.

کودک تحت تأثیر خانواده خویش قرار دارد و از آن تأثیر می پذیرد. بنابراین خانواده می تواند هم سازنده باشد و هم تباہ کننده و ویرانگر. محیط خانواده چون دانشگاهی است که در آن درس زندگی، انسانیت و اخلاق و یا ضد این دو، داده می شود. پس عامل خانواده برای کودک تعیین کننده و سرنوشت ساز است. خانواده به عنوان یک نهاد اجتماعی ضامن سلامت، سعادت و تعالی جامعه می باشد. به بیان دیگر خانه و خانواده بنیان گذار اصلی شخصیت کودک به شمار می رود. خانواده اولین و با نفوذترین محیط تربیتی برای فرزندان است . (محمودیان و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۲۷).

خانواده واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است و توافق عقیدتی و آرمانی در تشکیل خانواده که زمینه ساز اصلی حرکت تکاملی و رشدیابنده انسان است، اصل اساسی بوده و فراهم کردن امکانات جهت نیل به این مقصود از وظایف حکومت اسلامی است (بند ۱۰ قانون اساسی). همچنین به عقیده ی برخی از اندیشمندان، خانواده سازمانی فعال، پویا، زنده و بنیادین است. لذا همانند هر سازمان دیگر اهداف خاصی را برای تشکیل و تداوم آن می توان در نظر گرفت. هر تلاش و کوششی در جهت تشکیل خانواده، در واقع گامی در جهت تحقق جامعه سالم محسوب می شود. از آنجا که یکی از مهم ترین اهداف تشکیل خانواده پرورش فرزندان سالم و شایسته است، آنچه باید مورد توجه والدین قرار گیرد، تربیت فرزندان به شکل کامل و جامع آن منظور است. در توضیح تربیت کامل و جامع باید گفت که چنین تربیتی دارای ابعاد متنوعی نظیر عاطفی، اجتماعی، عقلی، فیزیکی و اخلاقی می باشد و هر یک عوامل و شیوه های خاصی را در بر می گیرد. لذا آن چه باید مورد توجه قرار گیرد، تربیتی است که باید ناظر بر همه ی ابعاد مذکور باشد. آموزش، زیر مجموعه و تابعی از تربیت است و تفکیک آن به صورت قراردادی و برای بررسی بیش تر است (لشکر بلوکی، ۱۳۸۷: ۲۴).

خانواده در کنار اولیای مدرسه می توانند در رشد همه جانبه ی فرزندان نقش به سزایی ایفا کنند. تأثیر خانواده در کودک و نقش مهم آن در سازندگی فرهنگی، اجتماعی، اخلاقی و عاطفی بسیار مهم و عظیم است. بنابراین مسئله خانواده و نقش آن ها در پرورش کودک و دادن مبانی زندگی اجتماعی و فرهنگی را نمی توان نادیده گرفت. با همه تأثیرهایی که طفل از جامعه و همبازی ها و معلمان خود می گیرد، باز بیشتر تحت تأثیر خانواده است. این دستاوردها و نتایج مثبت مشارکت والدین نه تنها به دوران کودکی، بلکه نوجوانی و جوانی و حتی فراتر از آن را شامل می شود. این مشارکت باید جوابگوی نیازها و خواسته های طرفین باشد. در حقیقت اولیای مدارس و پدر و مادر با هم مسئول توسعه اجتماعی و عاطفی دانش آموزان هستند و نقش تعیین کننده ای در پیشرفت تحصیلی فرزندان نشان بر عهده دارند. عدم مشارکت والدین و مدرسه و فقدان پشتیبانی از آن عواقب جبران ناپذیری را چه در زمینه ی یادگیری و چه در زمینه ی روابط متقابل بین آن ها به بار خواهد آورد. تحقیقات نشان داده است زمانی که پدر و مادر درگیر هستند دانش آموزان بهبود بیشتری را در کلاس، فعالیت ها و درس های خود در مدرسه نشان می دهند (قائمی، ۱۳۷۰: ۱۶۳).

واقع خانه و مدرسه در انجام وظایف تربیتی مکمل یکدیگرند. اگر این دو نهاد روش ها و برنامه های هماهنگ نداشته باشند، در روند رشد کودک اختلال به وجود می آید. بین روش ها و منش های خانه و مدرسه باید همسویی و تشابه وجود داشته باشد و یکی از این دو

کانون، کار دیگری را خنثی نکند، بلکه به عنوان دو جریان همدل و مکمل عمل کنند. مدرسه باید پیشاهنگ ارتباط با خانه باشد و با روشهای گوناگون اسباب مشارکت فکری اولیاء را در امر تعلیم و تربیت فرزندانشان فراهم کند (فهیمی، ۱۳۹۲: ۷۶).

۷. فضای مجازی

فضای سایبر یا همان فضای مجازی واژه ای است که امروز بسیار شنیده شده است و نشانه ها و ابزارهای مرتبط با آن در همه جا مشاهده می شود. این واژه نخستین بار در متون ادبیات علمی- تخیلی مورد استفاده قرار گرفت. در واپسین ربع سده بیستم، انقلابی در عرصه فناوری با محوریت فناوری اطلاعات، شیوه اندیشه، تولید، مصرف، تجارت، مدیریت، ارتباطات و زندگی را دگرگون ساخته است و پیامد آن هم پیوند فرهنگ های گوناگون در ابرمتنی الکترونیکی است. فضای جریان ها و زمان بی زمانی از دیگر ویژگی های عصر نوین است. در دنیای پرشتاب فن آوری های نوین، فضای مجازی به عنوان یک فرصت یا تهدید، دست اندرکاران تربیت نسل جوان را با چالشی بزرگ رو به رو کرده است. استفاده گسترده از این فن آوری و امکان دسترسی آسان به منابع اطلاعاتی و متنوع باعث به وجود آمدن بسیاری از رفتارهای غیر اخلاقی به ویژه در میان نوجوانان شده است. این مطالعه به دنبال بررسی مفهوم شناسی فضای مجازی و استفاده از آن در ابعاد تربیتی - اسلامی آموزش و پرورش است. تلقی انسان از جنبه های فرهنگی و آموزشی فن آوری، باعث ایجاد مولفه های کارکردی در حیات آموزشی و برنامه ریزی صحیح برای استفاده بهینه از آن خواهد شد. در نتیجه، فن آوری فضای مجازی نه تنها به عنوان یک سخت افزار بلکه به عنوان یک نرم افزار عمل کرده و عمق اثر گذاری آن افزون خواهد شد. حفظ و احیای اعتقادات و تربیت اسلامی نیاز به تبلیغ و اطلاع رسانی دارد که می توان از این فن آوری کمال بهره را برد. از طرفی فرهنگ سازی برای رویارویی و بهره وری بیشتر از فن آوری های نوین را باید راس برنامه های آموزش و پرورش قرار داد و فرهنگ درست استفاده کردن از امکانات فضای مجازی را به نوجوان و کودکان فضای مجازی به عنوان یکی از مدرن ترین محیط های تربیتی یک اولویت فوری محسوب می گردد. کودکان و نوجوانان امروزی که ارتباط بیشتری نسبت به فرزندان دیروز با محیط رسانه ها و فضای مجازی دارند، به شدت در معرض خطرات احتمالی ناشی از فساد محیط تربیتی فضای مجازی نیز می باشند و این مهم آسیب شناسی هر چه بیشتر تربیت در فضای مجازی و ارائه رهکارهای عملی برخواسته از متن دین در راستای آسیب زدایی از تربیت در فضای مجازی را طلب می کند (نوروزی، ۱۳۷۴: ۲۹). فضای مجازی را می توان یکی از انقلاب های بزرگ در دنیای کنونی دانست که فضای اجتماعی جدید متنوعی را فراهم کرده است که یکی از کاربردها و تأثیرات آن بر بعد تعلیم و تربیت است. با توجه به این که نظام تعلیم و تربیت ما بر پایه مبانی اسلام برنامه ریزی شده است، در مقوله ی تعلیم و تربیت برای اینکه هویت دینی دانش آموزان ما دچار تزلزل نشود لازم است به مسأله ی فضای مجازی به عنوان یک فرصت نگریم و به دانش آموزان چگونگی استفاده ی درست را یاد داد. فضای مجازی از ابعاد مختلف فرهنگی، اجتماعی، ایمنی و دینی می تواند بر تعلیم و تربیت اثر بگذارد؛ در بعد فرهنگی عدم استفاده ی درست از فضای مجازی می تواند هویت افراد را به چالش بکشد، در بعد اجتماعی ارتباط دو طرف را تضعیف می کند و همچنین سبب کاهش سلامت روانی افراد می شود (حسینی، ۱۳۷۹: ۱۳۹).

۷-۱. فناوری

برای درک مفهوم فناوری، نخست به یکی از دسته بندی هایی که در علوم صورت گرفته است، اشاره ای خواهیم داشت. به طور کلی علوم را به دودسته تقسیم می کنند. این دودسته عبارتند از: علوم بنیادی، علوم بنیادی یا محض به بیان جهان طبیعی و پدیده های موجود در آن می پردازند. این علوم به طور مستقیم در انجام فعالیت ها کاربرد ندارند و پیکره ی دانش در یک زمینه را تشکیل می دهند. نتایج مطالعات انجام شده درباره ی عناصر شیمیایی منجر به افزایش دانش پایه در این زمینه می شوند و بنابراین، در زمره علوم بنیادی یا محض قرار می گیرند. فناوری هرابزار یا روش محصول، فرایند، تجهیزات فیزیکی یا روش های انجام یا ساخت است که به وسیله آن قابلیت های بشری توسعه می یابد. فناوری عبارتند از مکانیزم، دانش یا فرآیندی که برای تبدیل ورودی ها و خروجی ها به منظور ارتقای قابلیت های افراد، گروه های کاری و سازمان ها به کار می رود. فناوری مفهومی است که به وسیله آن محصولات و یا خدمات اعم از

ملموس غیر ملموس، در بازار، تولید و عرضه می گردند. فناوری عبارت است از مجموعه فرایندهای فیزیکی، روشها و فنون، ابزار و تجهیزات، ماشین آلات و مهارت هایی که توسط آنها کالایی ساخته می شود و یا خدماتی ارائه می گردد. فناوری عبارت است از مجموعه ای از فرایندها، روشها، فنون، ابزار، تجهیزات، ماشین آلات و مهارت هایی که توسط آنها کالایی ساخته یا خدماتی عرضه می شود. فناوری عامل تبدیل منابع طبیعی، سرمایه و نیروی انسانی به کالا و خدمات است که عناصر متشکله یا ارکان آن عبارت است از: سخت افزار، انسان افزار یا نیروی انسانی متخصص، فناوری متبلور در اسناد و مدارک یا اطلاعات، سازمانها یا نهاد افزار.

۸. نتیجه گیری

خانه و مدرسه به عنوان دونهاده اصلی و تأثیرگذار در زمینه آموزش و پرورش به حساب می آیند. هر یک از این دو نهاد مهم و مقدس نقش خاص و ویژه ای در تربیت فرزندان برعهده دارند. چنانچه بپذیریم که انسان یک موجود زیستی، روانی، اجتماعی و معنوی است، ضروری می نماید که در ابعاد مختلف، رشد و توسعه یابد تا بتواند به انسان کامل نزدیک شود. آنچه که معمول است، این است که دانش آموزان در مدرسه تعلیم و تربیت رسمی و در خانه بیشتر تعلیم و تربیت غیر رسمی را فرا می گیرند. و هر اندازه آموزش و تربیت در این دو نهاد یکسان و همسو باشد، موجب خواهد شد یادگیری و تربیت آنان پایدارتر و مثمرتر باشد. همکاری و مشارکت این دو نهاد شرط اصلی موفقیت هر نظام آموزشی است. در واقع مشارکت خانه و مدرسه از لحاظ فراهم آوردن زمینه های لازم برای رشد فرزندان بسیار ضروری است. بسیار روشن است که در مدارسی که والدین با اولیای مدرسه کمتر ارتباط دارند، دانش آموزان از مشکلات رفتاری بیشتری برخوردارند و برعکس؛ پس هر دو نهاد فوق، به ویژه نهاد خانواده باید به اهمیت و ضرورت این ارتباط در تربیت صحیح فرزندان بیشتر آگاه شوند و بکوشند تا وظیفه ی خود را به درستی انجام دهند.

۹. منابع و مآخذ

- پارسا، نکیسا؛ احمدپناه، محمد؛ پارسا، پریسا و قلعه ایها، علی (۱۳۹۳). بررسی ارتباط روابط عاطفی بین والدین و فرزندان. شاه بوداقتی، طاهره. (۱۳۹۱). تعامل والدین با مسئولان مدرسه. برگرفته شده از دانشنامه روانشناسی و علوم تربیتی. فهیمی، سعید. (۱۳۹۲). روش های برقراری ارتباط خانه و مدرسه و نقش انجمن و اولیاء. قائمی، علی. (۱۳۷۰). خانواده و تربیت کودک. انتشارات امیری. لشکربلوکی، غلامرضا. (۱۳۸۷). مشارکت اولیاء و دانش آموزان در ارزشیابی (سهم مشارکت ...). محمودیان، حسین؛ شریفی، محمد رضا؛ خوشبین، سهیلا و احمدی، احمد. (۱۳۸۳). دانش خانواده. انتشارات دانشگاه تهران. حسینی، سیدمحمد (۱۳۷۹). تربیت دینی، مفاهیم، فرآیندها و چالش ها. تهران نشر ویدا. نوروزی، محمد، (۱۳۷۴). دین و تربیت، کتابخانه سایت تبیان.